

مقایسه نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع

محمود باقری*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مریم گودرزی

کارشناس ارشد حقوق مالکیت‌های فکری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۰/۲۳)

چکیده:

پیش از شناسایی و برقراری امتیازات ویژه با عنوان حقوق انحصاری برای مخترعان و مبتکران، این اشخاص با سری نگهداشتن اطلاعات مربوط به ابتکارشان در جهت حمایت از آن اقدام می‌کردند. به مرور زمان و پس از به رسمیت شناختن نظام حق اختراع به عنوان ابزار حمایتی از حقوق دارندگان اختراع، با توجه به نوع اختراع، ویژگی‌های خاص آن و شرایط اعطای حقوق انحصاری به مخترعان، عده‌ای از دارندگان اختراع همچنان بر این باور بودند که سری نگهداشتن اختراع، هدف آنها را در حمایت از اختراعشان بیشتر تأمین می‌کند. بدین ترتیب نظام اسرار تجاری بر پایه توجه به رقابت منصفانه و حفظ معیارهای اخلاق تجاری و شغلی به عنوان ابزار حقوقی دیگر برای حمایت از اختراعات و ابتکارات به رسمیت شناخته شد و به دارندگان اختراع این فرصت داده شد تا بین هریک از دو نظام حمایتی دست به انتخاب بزنند.

واژگان کلیدی:

اسرار تجاری - حق اختراع - اختراع مستقل - مهندسی معکوس - افشای غیرمجاز - دستیابی غیرمجاز.

مقدمه

موفقیت در بازار به حفظ مزایای رقابتی بستگی دارد و شرکت‌ها و اشخاص در اغلب مواقع مزایای رقابتی شان را از تصاحب اطلاعات ناشناخته برای رقبایشان بدست می‌آورند (Vysniauskaite, 2005, p.1). به طور کلی می‌توان گفت؛ یک سر تجاری اطلاعات فنی یا شغلی، فرمول، طرح، برنامه کامپیوتری، دستگاه، روش، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان یا عوامل فروش را شامل می‌شود که:

"۱- به قدر کافی سری است؛ به طوری که برای اشخاص دیگر غیر از دارنده که می‌توانند از افشا یا استفاده از آن ارزش‌های اقتصادی (Economic Value) و منفعی را کسب کنند، ناشناخته است. سری بودن اطلاعات سبب می‌شود که ارزش‌های اقتصادی احتمالی یا واقعی از آن به دست بیاید.

۲- برای حفظ سری بودن آن، اقدامات معقول و متعارف توسط دارنده صورت پذیرفته است (Ipr Helpdesk, "The Legal Protection of Trade Secret", p.2).

ارزش اقتصادی بدین معنی مستقل است که از سری بودن ناشی می‌شود، نه اینکه ارزش ذاتی محصول یا فرآیند مضمول اطلاعات در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، سری نگه داشتن این اطلاعات برای دارنده ارزشمند است، زیرا به وی اجازه می‌دهد تا بطور مؤثر در آن صنعت و حرفه با سایرین رقابت کند. اطلاعات واجد شرایط اسرار تجاری نخواهد بود، مگر آنکه برای افرادی که می‌توانند به لحاظ تجاری از آنها بهره‌برداری کنند، ناشناخته بوده و به سادگی قابل دستیابی نباشد.

با توجه به تعریف ارائه شده از اسرار تجاری، به نظر می‌رسد موضوع قابل حمایت در نظام اسرار تجاری اطلاعات (ایده افشا نشده) می‌باشد؛ اعم از ایده ناشی از تلاش فکری و منبعث از خلاقیت و استعداد یک شخص و یا ایده‌ای که نتیجه خلاقیت ذهنی نبوده و صرفاً در بردارنده ارزش اقتصادی می‌باشد. بدین ترتیب، رابطه اسرار تجاری با موضوعات مضمول نظام ویژه مالکیت فکری عموم و خصوص مطلق می‌باشد. به لحاظ تاریخی (سابق بر به رسمیت شناختن حقوق مالکیت‌های فکری) داستان چاپ نشده یک کتاب یا ایده مربوط به یک اختراع از طریق نظام اسرار تجاری مورد حمایت واقع می‌شد اکنون نیز در مرحله قبل از دستیابی به حقوق انحصاری (حق مؤلف و حق اختراع) ایده‌های افشا نشده مذکور از طریق اسرار تجاری مورد حمایت واقع می‌شود؛ ولی پس از این مرحله حمایت از طریق اسرار تجاری و نظام ویژه حقوق مالکیت‌های فکری متضمن تفاوت‌هایی است. در نظام حق مؤلف، توجه به شکل ابراز اثر و اصالت آن است. دارنده حق مؤلف از حق انحصاری برخوردار است و این حق صرفاً کپی کردن و تقلید از اثر را منع می‌کند، ولی ممنوعیتی در استفاده و به کارگیری از اطلاعات

موجود در آن اثر وجود ندارد. برای مثال ایده داستانی برای یک کتاب از طریق حق مؤلف حمایت نمی‌شود و در صورتی که کسی آن را بدزدد هیچ نقض حقی اتفاق نمی‌افتد. از سوی دیگر با توجه به ابراز اثر متضمن اطلاعات، ایده مطرح شده در اثر، افشا شده تلقی گشته و به عنوان اسرار تجاری قابل حمایت نخواهد بود. بنابراین، نظام حق مؤلف از جهت موضوع حمایت از نظام اسرار تجاری متفاوت می‌باشد.

در نظام علائم تجاری نیز موضوع، حمایت از سرمایه‌گذاری در ایجاد و تولید اطلاعات نیست بلکه حسن شهرت و حق دارنده نسبت به مشتریان است. در خصوص علائم تجاری تأکید بر ویژگی متمایز کننده علامت، به عنوان وسیله بازاریابی جهت جلوگیری از گمراهی مشتریان، در تشخیص کالاها یا خدمات یک تولیدکننده خاص است. بدین ترتیب، بین این دو نوع از نظام‌های حمایتی اموال فکری، قرابتی در موضوع حمایت مشاهده نمی‌شود.

ولی اطلاعات فنی یا اختراعات از موضوعاتی است که بین نظام اسرار تجاری و نظام حق اختراع مشترک است؛ در واقع، موضوع مورد حمایت در هر دو نظام اطلاعات است.

بنابراین و با توجه به تفاوت موضوع مورد حمایت در نظام حق مؤلف و علائم تجاری با اسرار تجاری، در این مقاله تنها به مقایسه نظام اسرار تجاری و حق اختراع از طریق بررسی وجوه تمایز و تشابه حقوق اسرار تجاری و حق اختراع (مبحث اول) و بررسی اثر حقوق اسرار تجاری بر حق اختراع (مبحث دوم) می‌پردازیم.

مبحث اول- وجوه تمایز و تشابه حقوق اسرار تجاری و حق اختراع

با توجه به تشابه موضوع مورد حمایت در هر دو نظام (اطلاعات فنی)، این پرسش مطرح می‌شود که با وجود نظام حمایتی حق اختراع و برخورداری جامعه از عنصر افشای عمومی، آیا منطقی است از عنصر سری بودن و عدم اجازه دستیابی به اسرار تجاری، در نظام مالکیت فکری حمایت صورت گیرد؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا به بررسی تفاوت‌های حقوق اسرار تجاری با حق اختراع (گفتار اول) پرداخته و پس از آن به موضوع گزینش طریقه حمایت از اختراعات؛ حقوق اسرار تجاری یا حق اختراع (گفتار دوم) خواهیم پرداخت.

گفتار اول- تفاوت‌های حقوق اسرار تجاری و حق اختراع

بحث را با تعریفی از اسرار تجاری و حق اختراع آغاز می‌کنیم:

هدف حمایت از اختراعات بواسطه حق اختراع (Patent Right)، این است که دارنده بتواند دیگران را از بکارگیری و استعمال اختراعی (Invention) که مشمول حق اختراع شده، برای یک

دوره زمانی محدود محروم کند. در حال حاضر، این دوره در اکثر کشورها ۲۰ سال است و اگر چه سامانه حق اختراع برای مخترعان حق انحصاری ممانعت دیگران از بکارگیری اختراع را فراهم می‌کند، در همان حال مخترعان برای برخورداری از این حق ملزم به افشای اختراعشان می‌شوند؛ به نحوی که فردمتخصص در آن زمینه قادر به ساخت و استفاده از تمام ابعاد اختراع ادعایی باشد.

بنابراین حمایت از حق اختراع دارای دو هدف است: تشویق به اختراع کردن با اعطای حق انحصاری و اشاعه فناوری جدید با افشای اختراع (Erkal, 2004, pp.3-4).

بر اساس سامانه حق اختراع، صرفاً اختراعی که شرایط جدید بودن، بدیع بودن و کاربرد صنعتی داشتن را برآورده کند، استحقاق دریافت ورقه اختراع را خواهد داشت و قلمرو حمایت به ادعاهای مطرح شده توسط متقاضی در اظهارنامه بستگی دارد. آنچه که اشخاص به عنوان اختراع ثبت می‌کنند شامل فرآیندها، دستگاه‌ها، محصولات یا ترکیباتی از مواد است.

برای حمایت از اسرار تجاری ضرورتی به برآوردن شرایط، جدید بودن، ابتکاری و کاربرد صنعتی داشتن نیست؛ شرایطی که وجود دارد عبارتست از عدم افشای قبلی (جزء دانش عمومی نشده باشد)، ایجاد مزیت رقابتی برای مالک و انجام اقدامات متعارف برای حفظ سری بودن (Erkal, 2004, p.5). بر اساس توضیحات فوق، تفاوت‌های عمده میان حمایت از اموال فکری بر اساس سیستم حق اختراع و سیستم اسرار تجاری به شرح ذیل است:

نخستین موضوعی که سبب تفاوت حمایت بر اساس دو سیستم مذکور می‌شود، تعریف هر یک از سیستم‌ها از آن چیزی است که اختراع قابل حمایت را به وجود می‌آورد. همان‌طور که گفته شد معیارهای حمایت در نظام اسرار تجاری کم‌تراست و به ناشناخته بودن برای عموم و ایجاد مزیت رقابتی برای دارنده محدود می‌شود. از این رو، اطلاعات قابل حمایت بر اساس نظام اسرار تجاری ممکن است همیشه به عنوان یک اختراع قابل ثبت - بر اساس نظام حق اختراع - نباشد. (Erkal, 2004, p.5). به عبارت دیگر در حالی که در نظام حق اختراع حمایت صرفاً به موضوعاتی اختصاص می‌یابد که نشان دهنده تلاش‌های مبتکرانه دارنده آنهاست، برای اختصاص حمایت در نظام اسرار تجاری به ارزش اقتصادی و تجاری موضوع برای مدعی حمایت، استناد می‌شود و از این نظر حقوق اسرار تجاری موضوعات وسیع‌تری را شامل می‌شود (M.Basen, 1991, p.23).

دومین تفاوت به شرط افشا باز می‌گردد. در نظام حق اختراع در صورتی که ابتکاری به عنوان اختراع قابل ثبت باشد باید به طور کامل برای عموم افشا شود. درازای افشای اختراع، جامعه به مخترع حق انحصاری در مورد اختراع مذکور می‌دهد و دیگران بدون اجازه دارنده،

حق استفاده از آن را ندارند. حقوق اسرار تجاری خارج از ساختار "انگیزه-افشا" نظام حق اختراع است؛ در نظام اسرار تجاری اطلاعات موضوع حمایت، با توجه به تعریف، افشا نشده و از آنها در مقابل افشا از طریق شیوه‌های غیرقانونی حمایت می‌شود (M. Besen, 1991, p.24). به عبارت دیگر از دارنده اسرار تجاری در برابر افشای سر تجاری از طریق تحقیقات مستقل یا مهندسی معکوس حمایتی نمی‌شود (M. Besen, 1991, p.24).

در نظام اسرار تجاری، امکان افشای اختراعات بستگی به نحوه کنترل و اداره اطلاعات فنی موجود در آنها - اختراعات - دارد و در صورتی که اطلاعات افشا شود، هر شخصی که به آن دسترسی داشته باشد می‌تواند از آن استفاده کند و ممنوعیتی از این جهت بر اشخاص تحمیل نخواهد شد، و صرفاً اشخاصی که باعث افشای اطلاعات مشمول اسرار تجاری شده اند به نحو مقتضی مجازات یا محکوم به جبران خسارت دارنده خواهد شد. انگیزه ایجاد یک سر تجاری و تحمل هزینه حمایت از آنها از ارزش خود اسرار تجاری ناشی می‌شود؛ هر چند حمایت از اسرار تجاری ممکن است به عنوان انگیزه فرعی برای دارنده باشد تا فرآیندی را که احتمالاً شرایط برخورداری از حق اختراع را بدست می‌آورد، تکمیل کند (M. Besen, 1991, p.25). سومین تفاوت بین دو نظام طول مدت حمایتی است که فراهم می‌کنند. حمایت از حق اختراع در کشورهای پیشرفته برای یک دوره زمانی محدود است که معمولاً بیست سال بعد از تاریخ ثبت تقاضانامه و اعطای حق به طول می‌انجامد (Erkal, 2004, p.7). با وجود این، ممکن است دوره مؤثر حمایت کوتاهتر از دوره قانونی باشد، زیرا ارزش حق اختراع بعد از اینکه کالایی با نسخه پیشرفته‌تر در بازار جایگزین آن می‌شود، بطور قابل ملاحظه کاهش خواهد یافت (W. Kitch, 1998, p.83).

حمایت از اطلاعات قابل ثبت و تکنولوژی غیرقابل ثبت بر اساس نظام اسرار تجاری بطور احتمالی در بر دارنده مدت نامحدود است و اگر چه حمایت بر اساس این سیستم، مخترعان یا دارندگان اطلاعات را ملزم به افشا نمی‌کند، ولی از آنها در برابر تقلید نیز حمایت نمی‌کند؛ بنابراین زمانی که سر آشکار می‌شود مخترع کلیه حمایت‌هایش را از دست می‌دهد (M. Besen, 1991, p.26).

۱. برخلاف نظام حق اختراع که در آن انگیزه مخترع از انجام تحقیقات تا رسیدن به اختراع، دستیابی به حق انحصاری است که جامعه به دل می‌دهد، انگیزه ایجاد یک سر تجاری با توجه به عدم افشا، ارزش اطلاعات موضوع سر برای دارنده است.
 ۲. هدف حمایت از اختراعات ایجاد انگیزه برای مخترعان و سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و اختراع کردن است. از سوی دیگر جامعه در ازای حقوق انحصاری که به مخترع می‌دهد از او می‌خواهد که اطلاعاتش را برای جامعه و مردم افشا کند تا به موازات حفظ حقوق مخترع، جامعه نیز از اختراع وی بهره‌مند گردد.

در نتیجه دو عامل محدود کننده حمایت نامحدود از اسرار تجاری عبارتند از: وقوع افشا از طریق اختراع مستقل^۱ و افشای غیرمجاز^۲.

چهارمین تفاوت میان دو سیستم مذکور به هزینه‌های اعمال هر یک از آنها مربوط می‌شود. احتمالاً حمایت از حق اختراع پرهزینه‌تر از حمایت توسط اسرار تجاری خواهد بود. تهیه تقاضانامه حق اختراع و ثبت آن تا رسیدن به مرحله دریافت ورقه اختراع، مستلزم هزینه‌هایی برای مخترع است. علاوه بر هزینه‌های دستیابی به حق اختراع، اعمال حق مزبور در مقابل اشخاص ثالث نیز مستلزم هزینه است؛ (W. Kitch, 1998, p.265). هر چند حمایت از طریق نظام اسرار تجاری هزینه‌های ثبت و رعایت تشریفات را به دنبال نخواهد داشت ولی دستیابی به حمایت از طریق حقوق اسرار تجاری نیز بدون هزینه نخواهد بود. برای مثال، هزینه انجام اقدامات امنیتی توسط دارنده برای جلوگیری از افشای اسرار، هزینه‌های مربوط به پرداخت حقوق و مزایایی به کارکنان مطلع از اسرار تجاری شرکت، جهت جلوگیری از استعفا و ترک شغل و ... (W. Leuzzi, 1984, p.159).

تفاوت پنجم به دامنه حمایت مربوط است. در نظام حق اختراع حمایت مطلق است (W. Kitch, 1998, p.266) به عبارت دیگر از دارنده حق اختراع در برابر تمام اشخاص ثالث حمایت می‌شود و حتی اختراع مستقل و مهندسی معکوس نیز به عنوان وسایل مجاز جهت دستیابی به اختراع ثبت شده، تلقی نمی‌گردند. بنابراین در صورتی که شخصی از راه انجام تحقیقات مستقل به همان اختراع ثبت شده دست یابد، نظام حق اختراع هیچ حمایتی برای فرد دوم در نظر نمی‌گیرد و عمل وی باعث ورود خلل به حمایت از مخترع اول نمی‌شود (Erkal 2004, p.8). ولی در نظام اسرار تجاری حمایت از دارنده تنها در برابر افشا از طریق شیوه‌های غیر مجاز^۳ است و به تمام اشخاص ثالث تسری داده نمی‌شود؛ اشخاص ثالثی که از طریق اختراع مستقل یا مهندسی معکوس به اختراع مورد بحث دسترسی پیدا کنند، سبب نقض حقوق دارنده اسرار تجاری نمی‌شوند (Erkal, 2004, p.9).

۱. اختراع مستقل عبارتست از اینکه مخترعی از راه انجام تحقیقات مستقل و بدون دستیابی غیر قانونی، به همان اختراع دارنده اسرار تجاری، دست پیدا کند.

۲. در صورت افشای اسرار تجاری ولو با استفاده از شیوه‌های غیر قانونی، چنانچه افشا سبب قرار گرفتن اطلاعات در قلمرو عمومی شود، حقوق اسرار تجاری، حمایتی از دارنده انجام نخواهد داد.

۳. شیوه‌های غیرمجاز دستیابی، به نقل از قانون اسرار تجاری ایالت ماساچوست امریکا عبارتند از: نقض تعهد راز داری، نقض قرارداد، سرقت، رشوه دادن به کارمندان یک شرکت جهت دسترسی به اطلاعات، اظهار اطلاعات خلاف واقع به عنوان یک مشتری بالقوه جهت کسب اطلاعات و ...

موضوعات مطرح شده در این مبحث ما را به این نتیجه رهنمون می‌شود که نظام حمایت از اسرار تجاری با امکان حمایت از اطلاعات فنی و اطلاعات شغلی و نظام حق اختراع با امکان حمایت از تکنولوژی‌های قابل ثبت به عنوان دو نظام حمایتی مستقل در کنار یکدیگر وجود دارند.

گفتار دوم- گزینش طریقه حمایت از اختراعات؛ حقوق اسرار تجاری یا حق اختراع

حمایت مؤثر از اموال فکری و از جمله اختراعات به همان اندازه که به ابزارهای حقوقی موجود وابسته است، به معیارهای اتخاذ شده توسط مخترعان نیز متکی می‌باشد (Hettinger, 1989, p.35).

عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که چون حقوق اسرار تجاری حمایت کمتر از مبتکران نسبت به حق اختراع اعمال می‌کند، پس هیچ فرد معقول با در اختیار داشتن ابتکار قابل ثبت در دستیابی به حق اختراع کوتاهی نمی‌کند؛ به عبارتی در انتخاب راهکار حمایت از ابتکارش، حق اختراع از ارجحیت برخوردار است. بر اساس این استدلال، حقوق اسرار تجاری از اختراعات سطح پائین‌تر (به لحاظ دارا بودن مرحله ابتکاری و بدیع بودن) حمایت می‌کند (Hettinger, 1989, p.36). این استدلال درست به نظر نمی‌رسد. برای مردود دانستن آن سه مثال را ملاحظه کنید (Friedman, 1991, p.63):

مثال اول، مخترع ابتکار قابل ثبتی دارد و معتقد است معادل دوره زمانی حقوق انحصاری اعطایی توسط نظام حق اختراع، زمان لازم است تا فردی دیگر از راه تحقیقات مستقل به این اختراع دست یابد، ولی اختراع از ارزش اقتصادی کمی برخوردار است.

شاید در ابتدای امر تصمیم مخترع واضح به نظر برسد؛ انتخاب نظام حمایتی حق اختراع، چون این سیستم حمایت بیشتر را برای وی به بار می‌آورد. ولی ممکن است انتخاب شیوه حمایتی مذکور مستلزم هزینه‌هایی باشد که با منافع وصولی در آینده جبران نشود. در حالی که در سیستم اسرار تجاری به طور حتم از این هزینه‌ها اجتناب می‌شود، هر چند هزینه‌های مربوط به جلوگیری از افشای سر مطرح می‌شود، ولی این هزینه‌ها باید متناسب با ارزش سر تجاری برای دارندگان احتمالی آن باشد. بدین ترتیب، زمانی که سر از ارزش کمی برخوردار است، هزینه‌های جلوگیری از افشای آن نیز باید پایین باشد. در چنین شرایطی حمایت از طریق نظام اسرار تجاری نسبت به حمایت از طریق نظام حق اختراع ارزانتر خواهد بود و ممکن است تفاوت در هزینه بیشتر از تفاوت در منافع باشد که از انتخاب طریقه حمایتی حق اختراع، به دلیل حمایت گسترده‌تر و نیاز به زمان طولانی‌تر جهت اختراع مجدد،

ناشی می‌شود. بنابراین در موازنه هزینه‌ها و منافع برای مخترع، کفه هزینه‌ها با انتخاب شیوه حمایتی حق اختراع، سنگین‌تر خواهد بود. (Friedman, 1991, p.64).

مثال دوم، مخترع ابتکار قابل ثبوتی در اختیار دارد و معتقد است بیشتر از مدت اعتبار حق اختراع زمان لازم است تا اشخاص دیگر بتوانند از راه تحقیقات مستقل به آن اختراع دست یابند.

در این مثال، انتخاب مخترع بین حمایت از طریق حق اختراع برای دستیابی به یک حمایت قوی‌تر، یا حفظ آن به صورت اسرار تجاری با شانس بهره‌مندی از منافع برای یک دوره طولانی‌تر می‌باشد. اگر مخترع تصور کند که شیوه حمایتی اسرار تجاری متضمن سود بیشتر برای او خواهد بود، این روش را انتخاب خواهد کرد. در این حالت مخترع بر این باور است که اختراعش ارزش اجتماعی بیشتر از آنچه که با تحصیل حق اختراع عایدش می‌شود، دارد و سعی می‌کند این موضوع را با ناتوانی مبتکران دیگر در دوباره ساختن اختراع مذکور - اگر چه به لحاظ قانونی در انجام چنین عملی آزاد باشند - اثبات کند.

حقوق اسرار تجاری در اثبات این ادعا به مخترع کمک می‌کند؛ زیرا حقوق اسرار تجاری امکان دستیابی غیرمجاز به اختراع را ممنوع می‌کند، پس اگر شخصی بخواهد به اختراع مذکور دست یابد چاره‌ای جز تحقیقات مستقل ندارد (Friedman, 1991, p.66). دستیابی از طریق شیوه‌های مجاز نیز به ادعای مخترع، به دلیل پیشرفت فناوری به سادگی امکان‌پذیر نیست.

مثال سوم، در این مثال مخترع اختراع غیرقابل ثبوتی (Unpatentable Invention) دارد ولی معتقد است زمان لازم برای دستیابی مخترع دیگر به آن اختراع معادل زمانی است که او می‌تواند سود مناسب را با حفظ آن اختراع به عنوان یک سر، بدست بیاورد. در این خصوص مرجع صالح رسیدگی کننده به شرایط ثبت، تصور می‌کند که اختراع مذکور، ابتکاری بدیهی و فاقد عنصر بدیع بودن و برخورداری از مرحله ابتکاری است؛ به طوری که ممکن است شخص دیگر به زودی به آن دست یابد. از این رو، اداره ثبت اختراع مربوطه - مرجع صالح - مخالف اعطای ورقه اختراع به مخترع است، زیرا اعطای حق اختراع انحصاری در ازای افشای مشخصات آن جهت بهره‌مندی افراد جامعه، موازنه نفع و هزینه اجتماعی را بهم خواهد زد و منفعتی که از افشای آن نصیب جامعه می‌شود کمتر از پاداشی است که جامعه تحت حقوق انحصاری به وی می‌دهد (Friedman, 1991, p.65).

شاید چنین به نظر برسد که پیرو نظر اداره ثبت اختراع، اختراع مذکور غیرقابل ثبت بوده و امکان برخورداری از طریقه حمایتی حق اختراع میسر نمی‌باشد ولی ممکن است مخترع تلاش کند تا خلاف این موضوع را با سری نگه داشتن اختراعش اثبات کند. در این حالت دو نتیجه مفروض است: اگر تصور مخترع از اختراعش اشتباه باشد و شخصی دیگر، سال بعد به همان

اختراع دست یابد؛ درستی نظر اداره ثبت در خصوص غیرقابل ثبت بودن اختراع و محروم ساختن مخترع از حق اختراع ثابت می‌شود، ولی اگر حق با مخترع باشد و هیچ اختراع کاملاً مشابه ساخته نشود، در آن صورت با حفظ اختراع به صورت سر، او معادل تقریبی پاداشی را که از قابل ثبت بودن اختراع بدست می‌آورد، کسب کرده است. بدین ترتیب او اثبات می‌کند که اداره ثبت در تصور غیرقابل ثبت بودن اختراع وی دچار اشتباه شده و اختراع، شایستگی حمایت بر اساس نظام حق اختراع را داشته است (Friedman, 1991, p.66). صرف نظر از اختلاف دیدگاه بین مخترع و اداره ثبت در مثال سوم، این مورد منعکس کننده عدم تکافوی نظام حمایتی حق اختراع است. هر چند ممکن است ظرف ۵ سال همان اختراع از راه تحقیقات مستقل و به علت فقدان مرحله ابتکاری ساخته شود، ولی نظام حق اختراع دربردارنده هیچ مقرراتی در رابطه با اختراعاتی که طی ۵ سال اعتبارشان منقضی می‌شود نیست. بدین ترتیب، پاداش دادن به مخترع از طریق سیستم حق اختراع مناسبی با هزینه‌های اجتماعی اعطای حقوق انحصاری به وی نخواهد داشت (Friedman, 1991, p.66).

در مثال مذکور، اداره ثبت اختراع به درستی از اعطای حق اختراع امتناع کرد و مخترع به درستی حمایت از طریق اسرار تجاری را به جای آن، مورد استفاده قرارداد (Friedman, 1991, p.66). بدین ترتیب صحت فرضیه‌ای که اعلام می‌داشت: "حمایت از طریق حقوق اسرار تجاری مختص اختراعات فاقد مرحله ابتکاری است"، رد می‌شود و مخترعان به دلایل مختلف شیوه حمایتی اسرار تجاری را برای حمایت از اختراعاتشان انتخاب خواهند کرد (Friedman, 1991, p.66). اسرار تجاری نقشی متفاوت، ولی نه به طور ضروری پایین‌تر از حق اختراع، ایفاء می‌کند. (D. Blair, 2005, p.8).

حقوق اسرار تجاری در همان حال که مزایای رقابتی را برای دارندگان فراهم می‌کند و سبب سبقت آنها از رقیبانشان می‌شود، انگیزه‌ای برای تولید اختراعات سودآوری است که معیارهای نظام حق اختراع را برآورده نمی‌کنند یا در نظام حمایتی حق اختراع جذابیت‌های لازم برای مخترعان آنها، مشاهده نمی‌شود. (Verma, p.733). برای مثال، ممکن است مدتی که جهت برآوردن شرایط شکلی و ماهوی ثبت اختراع به طول می‌انجامد باعث شود اختراع شرط جدید بودن را از دست بدهد. گاهی اوقات نیز عدم قطعیت در قلمرو حمایت از حق اختراع نسبت به برخی از موضوعات، برای مثال نرم افزارهای کامپیوتری^۱، باعث کاهش جذابیت این نظام حمایتی می‌شود؛ زیرا برای مخترعان مشخص نیست که آیا علی‌رغم سرمایه‌گذاری و

۱. برای مثال رویه قضایی امریکا در یک مورد اعطای حق اختراع به برنامه‌های کامپیوتری و در یک مورد دیگر عدم پذیرش حمایت از آنها، به علت وجود الگوریتم‌های ریاضی است. (به نقل از منبع فوق).

- هزینه‌های صورت گرفته در راه انجام تحقیقات، به حق اختراع دست پیدا می‌یابند یا نه. (M. Besen, 1991, p.8)
- در نتیجه می‌توان گفت حقوق اسرار تجاری و نظام حق اختراع دو روشی هستند که مخترعان اغلب برای حمایت از اموال فکریشان و بطور خاص اختراعات از آن استفاده می‌کنند. آنها راهکار حمایتی اسرار تجاری را زمانی انتخاب می‌کنند که اعتقاد داشته باشند:
- ۱) حمایت از طریق حق اختراع نسبت به ارزش اقتصادی ابتکارشان و بازده آن بسیار پر هزینه تر است؛
 - ۲) نظام حق اختراع به آنها پاداشی - درازای افشای اختراع - می‌دهد که کمتر از منافع احتمالی حق اختراع است؛
 - ۳) اختراع قابل ثبت نمی‌باشد؛^۱
 - ۴) طول دوره حمایت از اختراع بر اساس نظام حق اختراع کافی نمی‌باشد.

مبحث دوم - اثر حقوق اسرار تجاری بر حق اختراع

پس از شناسایی امکان انتخاب میان نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع اکنون با این پرسش مواجه می‌شویم که آیا حقوق اسرار تجاری تنها به عنوان جانشین حق اختراع مطرح است؟

این موضوع به ترتیب در بحث حقوق اسرار تجاری؛ جانشین حق اختراع یا مکمل آن (گفتار اول) و بحث اختراعات فرآیندی (گفتار دوم) مطالعه می‌شود.

گفتار اول - حقوق اسرار تجاری؛ جانشین حق اختراع یا مکمل آن

فرآیند اختراع با تصور یک ایده آغاز می‌شود. در طی توسعه و تکمیل آن ایده تا مرحله تجاری‌سازی اختراعات، مخترعان پتانسیل آن ایده را بررسی می‌کنند و راه‌هایی را که در آنها ایده جدید است، شناسایی می‌کنند.

نظام حق اختراع و اسرار تجاری در طی این فرآیند مکمل یکدیگر هستند تا جایی که یکی نقشی را ایفاء می‌کند که ممکن نیست توسط دیگری انجام شود. (Erkal, 2004, p.10). در اختراعاتی که به اندازه کافی توسعه داده نشده تا واجد شرایط از طریق حق اختراع باشند - مراحل اولیه فرآیند اختراع و قبل از دستیابی به اختراع کامل - یا در خصوص اختراعاتی که موضوعشان خارج از موضوعات قابل حمایت بر اساس نظام حق اختراع است، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مخترعان را نظام حمایتی اسرار تجاری پوشش می‌دهد (Vaver, p.99).

۱. ممکن است استدلال شود که در این حالت هیچ امکان انتخابی وجود ندارد زیرا موضوع از اساس بر اساس نظام حق اختراع قابل حمایت نمی‌باشد.

بدین ترتیب، نظام حق اختراع از افشای اختراعات برای استفاده مخترعان بعدی، صرفاً پس از اینکه آنها به مرحله‌ای خاص از تکامل می‌رسند، حمایت می‌کند. در موارد فوق، نظام حمایتی حق اختراع و اسرار تجاری مکمل یکدیگر هستند (Erkal, 2004, p.11).

بنابراین امکان برخورداری از نظام حمایتی اسرار تجاری برای اختراعاتی که واجد شرایط ثبت نیستند، به مخترعان اجازه می‌دهد تا روی ایده‌ها تا زمانی که قابل ثبت شوند، کار کنند. زمانی که اختراع واجد شرایط ثبت می‌شود، مخترع امکان انتخاب بین هر یک از دو سامانه را دارد. در واقع بعد از مرحله تکمیل فرآیند اختراع، ممکن است به هر دو روش حمایت به عنوان جانشین توجه شود؛ به عبارت دیگر در این مرحله حمایت از طریق حق اختراع یا حقوق اسرار تجاری جانشین یکدیگر می‌شوند (Erkal, 2004, p.12).

در مورد اختراعات فرآیندی، اگر فرآیند جدید تولید به کار گرفته شود تا کالایی تولید شود که بطور علنی در بازار به فروش رود و در این خصوص اختراع فرآیندی از طریق حقوق اسرار تجاری تحت حمایت قرار گیرد، چنین استفاده سری ممکن است در تضاد با مدت حق اختراع باشد (Erkal, 2004, p.13). به عبارت دیگر در صورتی که مخترع پس از استفاده سری بیش از یک سال از اختراع فرآیندی، تصمیم به ثبت آن بگیرد با مشکل مواجه خواهد شد؛ زیرا وجود استفاده سری بیش از یک سال، به نحوی مؤثر طول دوره حمایت از اختراع را در نظام حق اختراع افزایش می‌دهد، هر چند اثبات استفاده سری دشوار است.

در نتیجه می‌توان گفت که حق اختراع و حقوق اسرار تجاری در مرحله تکمیل اختراع و در طی فرآیند اختراع کردن نقش مکمل داشته و پس از تکمیل این مرحله و ورود به مرحله برخورداری از قابلیت ثبت، این دو نظام نقش جانشین خواهند داشت.

گفتار دوم- اختراعات فرآیندی

اختراعات فرآیندی از جمله موضوعاتی است که در زمان تعیین و انتخاب نظام حمایتی مناسب با وضعیت دشوار مواجه می‌شود. از یک طرف، اعمال نظام حق اختراع در اثر مشکلات ناشی از عدم ارتباط با ارزش اختراع- در موازنه نفع و هزینه اجتماعی- و عدم تناسب با مدت اعتبار حق اختراع، برای اختراعات فرآیندی مناسب نیست (p.159, (1984, W. Leuzzi). یکی از این مشکلات که مرتبط با عدم تناسب حمایت اعطایی با اطلاعات افشا شده در نظام حق اختراع است، از مشکلات رقیب در تشخیص ماهیت فرآیند یا شرایط به کار برده شده، ناشی می‌شود که به استناد آن از اعمال سیاست‌های حمایتی مؤثر حق اختراع

ممانعت به عمل می آید.^۱ از طرف دیگر، هر چند اعمال نظام اسرار تجاری به عنوان جانشین نظام حق اختراع مطرح می شود ولی از بسیاری جهات حمایتی ضعیف تر از آنچه که نظام حق اختراع تأمین می کند، در نظر می گیرد. هیچ راه حل خاص برای حل این مشکل وجود ندارد و شرایط خاص هر مورد تعیین کننده نوع مناسب حمایت از اختراعات فرآیندی خواهد بود. در تلاش برای تعیین نوع مناسب حمایت، در شرایط خاص باید به موضوعات زیر توجه شود (W. Leuzzi, 1984, p.160):

۱- موضوع اختراع براساس کدام یک از سامانه ها قابل حمایت است؟

در این مرحله توجه به موضوعات قابل حمایت در هر یک از نظام های حمایتی حق اختراع و اسرار تجاری از اهمیت برخوردار می باشد.

۲- حمایت چگونه بدست می آید؟

این مرحله متضمن دقت کافی در خصوص شرایط اعطای حمایت در هر یک از دو سیستم مذکور است.

۳- چه حمایتی فراهم می شود؟

این موضوع مشخص کننده محدوده و قلمرو حمایت در هر یک از دو نظام است و آنچه در این مرحله قابل توجه است. عدم حمایت از دارنده اسرار تجاری در برابر اختراعات مستقل یا مهندسی معکوس است (M. Maurer, 2002, p.535). حق اختراع را در برابر تمام اشخاص دارد.

۴- حمایت چگونه از بین می رود؟

آنچه در این قسمت از اهمیت برخوردار است توجه به طول دوره حمایت و شرایط معتبر ماندن حمایت در هر یک از دو نظام حمایتی است.

صرف نظر از عوامل فوق آنچه در مورد موضوع اختراعات فرآیندی حائز اهمیت می باشد، وضعیتی است که در آن مخترع اول اقدام به انتخاب نظام حمایتی اسرار تجاری می نماید، در این میان مخترع بعدی که از راه تحقیقات مستقل به همان اختراع دست پیدا کرده، تصمیم می گیرد نسبت به ثبت اختراع و کسب حمایت از طریق نظام حق اختراع اقدام کند (M. Maurer, 2002, p.537)؛ این موضوع منجر به تعارض می شود. کانون وکلای امریکا نتایج احتمالی چنین وضعیتی را که دارنده حق اختراع و اسرار تجاری با آن مواجه می شوند، مطرح کرده است (W. Leuzzi, 1984, p.169):

۱- حق اختراع مخترع دوم بر اساس استفاده مقدم از اسرار تجاری صحیح نیست.

۱. منافعی که جامعه از افشای اطلاعات مربوط به اختراع فرآیندی به دست می آورد با حق انحصاری که در ازای آن به مخترع داده می شود- به علت پیچیدگی های اختراعات فرآیندی- برابر و در یک رابطه مبتنی بر توازن نیست.

۲- هر دو طرف دارای حق می‌باشند و موضوع سری بودن از طرف استفاده کننده از اسرار تجاری (خواه اختراع برای اشخاص ثالث شناخته شده باشد یا نه) اعتبار حق اختراع مخترع دوم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳- برای دارنده اسرار تجاری حق شخصی وجود دارد که به استفاده از اختراعش ادامه دهد ولی حق اختراع مخترع دوم در برابر تمام اشخاص دیگر معتبر است (حق شخصی ممکن است به مجوزهای داده شده قبل از صدور ورقه اختراع نیز سرایت کند).

۴- حق اختراع اعطایی به مخترع دوم در برابر همه اشخاص از جمله مخترع اول- استفاده کننده از اسرار تجاری- معتبر است.

با کمال تعجب باید گفت که نمونه‌ها و دعاوی کمی وجود دارد که این تعارض در آنها حل شده باشد (W. Leuzz, 1984, p.169). هر چند پیشنهادهای برای حل تعارض شده است. عده‌ای بر ترس مخترع دوم مبنی بر اطلاع از وجود اختراع و اینکه او نخستین کسی نیست که آن اختراع را انجام داده باشد، استناد می‌کنند (Bennett, p.742). عده‌ای هم پیشنهاد می‌کنند که برای حل مشکل بهتر است دارنده اسرار تجاری حق امتیازی به دارنده حق اختراع بپردازد، بجای اینکه درگیر مشکلات ناشی از طرح دعوا شود و بدین وسیله بدون ایجاد مزاحمت به استفاده از اختراع ادامه دهد (Jorda, p.593).

جدیدترین دعوا از نظر رویکرد اول، دعوی دانلوپ است^۱. خلاصه پرونده بدین شرح است:

در پائیز ۱۹۶۴ شخصی به نام بوتچ واگنر از کائوچوی مصنوعی شرکت سیرلین استفاده کرد تا روکشی مناسب برای توپ گلف تولید کند که بدون برش باشد. واگنر تعداد بسیار زیادی از توپ‌های گلف دارای روکش موصوف را در بازار توزیع کرد و سفارش‌های متعدد دریافت کرد. در سال ۱۹۶۵ واگنر از شرکت مزبور درخواست مقدار زیادی کائوچو کرد تا توپ‌های سفارش داده شده را تولید کند ولی در اکتبر ۱۹۶۵ در حالی که هیچ تقاضانامه حق اختراعی برای کالای تولیدیش به ثبت نرسانده بود، درگذشت. در این فاصله، دانلوپ با اظهارنامه حق اختراع امریکایی ثبت شده در فوریه ۱۹۶۶، با ادعای حق تقدم نسبت به اظهارنامه انگلیسی ثبت شده در فوریه ۱۹۶۵ در خصوص همان اختراع، حقوقی را بدست آورد. زمانی که دانلوپ در صدد اعمال حق اختراعش در برابر شرکت رام گلف بود، حق اختراع مذکور به استناد استفاده مقوم از توپ‌های گلف واگنر، غیرمعتبر اعلام شد. دادگاه بر این امر تأیید کرد که در بهترین حالت، استفاده مقوم یک استفاده عمومی غیرآگاهانه بوده، ولی استفاده مذکور استفاده‌ای پنهانی یا مخفی نبوده؛ زیرا واگنر به سرعت و بطور مؤثر

1. Dunlop Holding Ltd. v. Ram Golf Corp (1976).

توپ‌های گلفش را به بازار عرضه کرده است. به رغم این واقعیت که ترکیب شیمیایی دقیق^۱ روکش توپ گلف، توسط شخصی ماهر در آن فن قابل تعیین و تشخیص نبود، استفاده غیرآگاهانه عمومی، منافعی را از آن اختراع نصیب عموم می‌کرد و سبب ابطال حق اختراع به علت فقدان عنصر جدید بودن می‌شد (Jorda, p.593).

برخی از مفسران این رأی را به عنوان مدرکی دال بر اینکه اختراع مخترع دوم به موجب استفاده مقدم از اسرار تجاری ابطال خواهد شد، به حساب آورده‌اند (W. Leuzz, 1984, p.170). اگر چه چنین توصیفی، زمانی که اختراع محصول یا ترکیب شیمیایی باشد که به طور علنی فروخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است، صحیح به نظر می‌رسد ولی به استفاده سری از یک فرآیند، تسری داده نمی‌شود (W. Leuzz, 1984, p.169).

در قضیه دانلوپ دادگاه به صراحت تصدیق کرد، زمانی که اختراع مستلزم استفاده از دستگاهی باشد، منافع استفاده از آن دستگاه نباید برای هیچ کس جز برای مخترع قابل دستیابی باشد. این استدلال باید حداقل در جایی به فرآیند تسری داده شود که محصول ناشی از آن فرآیند قبلاً کالای تجاری شده باشد و استفاده کننده از اسرار تجاری صرفاً یکی از منتفعان آن اختراع فرآیندی باشد (W. Leuzz, 1984, p.170) در پرونده گیلمن (Gillman V. Stern (1940)) دادگاه چنین حکم داد که "استفاده سری"، استفاده ای عمومی نیست و بنابراین استفاده سری مقدم توسط هاس از دستگاه دوخت تشک بادی، اختراع بدست آمده در خصوص دستگاه مذکور توسط گیلمن را از اعتبار نینداخته است. قاضی در پرونده گیلمن در تفسیر قانون بیان کرد: "کسی که دستگاه مذکور را [در این پرونده] به طور سری مورد استفاده قرار داده و محصول ساخت آن دستگاه را به طور علنی در بازار فروخته، مخترع [اول] نیست، بلکه شخص ثالثی است.... تنها موضوع [قابل بحث] این است که آیا استفاده مقدم که اختراع را برای دانش عمومی افشا نکرده، در محدوده قانون و مقررات بوده یا نه و به درستی ثابت شد که این طور نبوده است (W. Leuzz, 1984, p.171) " (و افشا در محدوده قانون سبب از بین رفتن عنصر جدید بودن نشده است).

تمایز مزبور میان دو رأی، در تعیین کسی که از استفاده مقدم منافعی را دریافت کرده است، یعنی استفاده کننده عمومی یا کاربر اسرار تجاری، قابل طرح است. بدین ترتیب زمانی که مخترع اول، اختراع فرآیندی اش را به عنوان سر تجاری حفظ می‌کند، نمی‌توان گفت که عامه مردم از آن اختراع منتفع شده‌اند بنابراین استفاده ابطال کننده یا غیرمعتبر کننده حق اختراع مخترع دوم، شکل گرفته است (W. Leuzz, 1984, p.170)؛ در نتیجه هر حق اختراع (فرآیندی)

۱. ترکیب شیمیایی روکش توپ گلف در این پرونده، تشکیل دهنده یک سر تجاری بود.

بعدی نباید به واسطه استفاده مقدم اسرار تجاری توسط دیگری، از اعتبار بیفتد (W. Leuzz, 1984,p.170)

رویکرد دوم نسبت به وضعیت مخترع دوم و استفاده کننده مقدم از اسرار تجاری، دو بخش دارد. نخستین بخش اینکه دارنده اسرار تجاری دارای برخی حقوق است و دوم اینکه در خصوص حقوق مخترع- دارنده حق اختراع- با توجه به پنهانی و سری بودن فرآیند، اظهارنظر می‌شود (W. Leuzz, 1984,p.172).

قانون اساسی و قوانین فدرال ایالات متحده امریکا نسبت به حقوق دارنده اسرار تجاری ساکت هستند. در صورتی که مانعی وجود نداشته باشد، قانون حق اختراع فدرال استفاده بیش از یک سال از بعد از کسب حمایت از طریق حق اختراع برای فرآیند مذکور را توسط هر شخصی ممنوع می‌کند (W. Leuzz, 1984,p.172). قانون حق اختراع فدرال امریکا دارنده حق اختراع را مجاز می‌دارد تا دیگران را از ساخت، استفاده و فروش اختراع منع کنند و هیچ حقی را برای کاربر مقدم اسرار تجاری ایجاد نمی‌کند. بنابراین، هر نوع استفاده، حتی استفاده سری توسط این قانون منع می‌شود. در واقع، حق اختراع صادر نشده نباید صرفاً بر اساس حقوق شخصی که فرآیندی را قبل از اعطای حق اختراع، ساخته، استفاده کرده و فروخته است محدود شود. ورقه اختراع صادر شده یک ورقه اختراع مجدداً منتشر شده (Reissue Patent) است و فقط در صورتی که حق حائل شده (حق کاربر اسرار تجاری)، ادعایی از حق اختراع دوباره منتشر شده را نقض نکند حق اختراع اصلی و اولیه می‌شود.^۱ بدین ترتیب، استفاده کننده از اسرار تجاری با حقوق ناشی از قواعد عمومی نسبت به اختراع فرآیندی‌اش رها می‌شود، البته این حقوق موقعی که اختراع سری نباشد از بین می‌رود (W. Leuzz, 1984,p.172).

در فرآیندی که متعاقباً توسط فردی دیگر به عنوان اختراع ثبت شده، دارنده اسرار تجاری نباید هیچ حقی بیشتر از کسی که مقدم بر صدور ورقه اختراع بطور علنی از فرآیند مذکور استفاده کرده، داشته باشد (W. Leuzz, 1984,p.172). آراء دیوان عالی^۲ در پرونده‌های ایوانس (Evans V. Jordan (1815)) و آگوام (Agawam v. Dordan (1868)) به وضوح نشان می‌دهد که استفاده عمومی مقدم بر صدور ورقه اختراع هیچ حقی را برای استفاده کننده مقدم ایجاد نمی‌کند، هر چند که صدور ورقه اختراع به موجب قانون خاص باشد. (W. Leuzz, 1984, p.172)

۱. "ورقه اختراع مجدداً صادر شده"، معمولاً در مواقعی که به دلایلی حق اختراع اعطایی، غیر معتبر اعلام شده (برای مثال به علت اثبات استفاده مقدم و فقدان شرط جدید بودن) و پس از اثبات غیر مؤثر بودن دلایل اعلامی توسط مخترع، صادر می‌گردد.

۲. دیوان عالی ایالات متحده امریکا

پرونده جدیدتر رایدو^۱ از این دیدگاه طرفداری می‌کند. در این سه پرونده، استفاده عمومی مقدم از اختراع هیچ حق قابل استنادی در برابر مخترع بعدی که اقدام به ثبت آن کرد، ایجاد نمود (W. Leuzz, 1984,p.173).

در ارتباط با موضوع سری بودن مؤثر بر اعتبار حق اختراع گفته می‌شود که اگر سری بودن موفقیت‌آمیز بوده و اختراع مستقل بعدی در حالی اتفاق بیفتد که مردم به عنوان یک کل، هیچ اطلاعی از فرآیند مشمول اسرار تجاری نداشته یا از آن بهره‌ای نبرده باشند، بنابراین همان‌طور که در رویکرد اول بحث شد، مخترع با استفاده مقدم ابطال‌کننده اعتبار حق اختراع، مواجه نمی‌شود (Robbins, p.574).

به نظر می‌رسد رویکرد سوم بیشتر به نفع متخصصان باشد. این رویکرد به مخترع حقی معتبر و قابل اعمال در برابر تمام افراد بجز استفاده‌کننده مقدم از اسرار تجاری می‌دهد و بدین وسیله استفاده‌کننده از اسرار تجاری در کل کنار گذاشته می‌شود (W.LEUZZ, 19984,p.172). چنین دیدگاهی از لحاظ حقوق شخصیت به استفاده‌کننده از اسرار تجاری این امکان را می‌دهد تا از حق اختراع اعطایی منتفع شود، زیرا در اصل او فرآیند را قبلاً به صورت سری و غیر قابل دسترس برای عموم حفظ کرده است و به عنوان عوض این عمل، مجوز بدون پرداخت حق امتیاز در رابطه با اختراع، دریافت می‌کند و به عبارتی به استفاده از فرآیند ادامه می‌دهد (W.LEUZZ, 19984,p.173).

علاوه بر آن و احتمالاً از آن مهم‌تر، اینکه استفاده‌کننده از اسرار تجاری از حق مخترعان (دارندگان حق اختراع) برای محروم کردن و ممانعت از اشخاص ثالث از بکارگیری اختراع، منتفع می‌شود و بدین وسیله رقبا را از استعمال فرآیند برای یک دوره زمانی - ۱۷ ساله در امریکا - محدود می‌کند (W.LEUZZ, 19984,p.174).

توجه به تعداد اختراعات فرآیندی ثبت نشده که به عنوان اسرار تجاری از طریق قواعد کامن لا (در امریکا) حمایت می‌شوند، روشن می‌کند که این رویکرد، انتخاب معروفی در میان متخصصان است.

اما به نظر برخی از حقوقدانان امریکایی، این نتیجه و رویکرد مغایرت با قصد از حکم قانون اساسی را نشان می‌دهد؛ زیرا این رویکرد صرفاً به عنوان عاملی بازدارنده نسبت به نظام حق اختراع عمل می‌کند و بدین ترتیب، عموم را از انتفاع از افشای اولیه قانون حق اختراع در نظر گرفته تا اختراع کردن را تشویق کند، بی نصیب و محروم می‌کند (W.LEUZZ, 19984,p.173). حق استفاده‌کننده اسرار تجاری برای تداوم استفاده از فرآیند به نحوی که اغلب به عنوان نتیجه و رویکرد "منصفانه" پیشنهاد شده، حمایت کمی را در پرونده‌ها و دعاوی که

1. Raido Position Finding Corp v. Bendix Corp. (1963).

مورد تصمیم‌گیری و قضاوت قرار گرفته، به خودش اختصاص داده است. به علاوه، درک این موضوع سخت است که چرا باید به کاربر اسرار تجاری حقوق بیشتر از کسی که با اعمال حق اختراع امکان استفاده را از دست می‌دهد، داده شود (W.LEUZZ, 19984, p.172). اگر واقعاً در تعیین کسی که منفعتی را از استفاده مقدم دریافت کرده، تمایز وجود داشته باشد، در آن صورت کفه ترازو به زیان کاربر اسرار تجاری بر می‌گردد. زیرا طرفی که با اعمال حق اختراع امکان دخالت و استفاده از اختراع را از دست می‌دهد تلاش کرده تا از اختراع بهره‌برداری کند و بدین وسیله سبب افشای اولیه و استفاده عموم از اختراع شود و این دو، اهداف نظام حق اختراع است. یک چنین فردی (استفاده‌کننده مقدم غیر از دارنده اسرار تجاری) ممکن است به شروع مرحله تولید انبوه و تجاری سازی اختراع اقدام کرده و مبالغی را در راه تحقیق و توسعه (R & D)^۱ (با هدف افشای اختراع و در عوض برخورداری از حق انحصاری) صرف کرده باشد. (W.LEUZZ, 19984, p.173). در چنین شرایطی چرا وقتی که فرد مزبور هیچ حقی نسبت به اختراعش در برابر مخترع موفق (دارنده حق اختراع که زودتر نسبت به ثبت آن اقدام کرده) ندارد، حتی اگر مخترع دومین نفری باشد که اختراع به ذهنش خطور کرده است، دارنده اسرار تجاری و استفاده‌کننده مقدم باید حق استفاده از اختراع را داشته باشد؟

کاربر اسرار تجاری تنها فردی است که از فرآیند منتفع شده است و بطور عمد تلاش کرده تا اختراعش را از افشا برای عموم حفظ کند؛ بدین ترتیب، نمی‌توان به او لقب "سزاوار"، جهت استفاده از اختراع - پس از صدور ورقه اختراع - را داد. (W.LEUZZ, 19984, p.173). دادگاه‌ها نباید به نفع دارنده اسرار تجاری و با استناد به حقوق شخصیت، سری نگه داشتن اختراع و محروم بودن جامعه از استفاده از آن را نادیده گرفته و به نفع وی اقدام به صدور رأی مبنی بر استفاده از اختراع مشمول حق اختراع مخترع دوم نمایند (M. Besen, 1991, p.20).

احتمالاً تنها توجیه برای وجود حق کاربر اسرار تجاری به عنوان معرف شخصیت، در جایی است که مخترع فرآیند از عهده پیگیری و کسب حمایت از طریق نظام حق اختراع برنیامده است و از این رو، حمایت از طریق اسرار تجاری را به عنوان تنها وسیله موجود برای حمایت از اختراعش انتخاب کرده است. این استدلال نه تنها برای متقاضیانی که در پیگیری تقاضانامه‌های حق اختراعشان در سیستم حق اختراع موفق نبوده‌اند، اعمال می‌شود، بلکه در جایی که سابقه‌ای روشن مبنی بر اینکه قبل از انتخاب سیستم اسرار تجاری، تحقیقاتی درباره

1. Research and Development.

۲. عبارت تنها فرد بدین جهت به کار رفته که وی تنها شخصی است که با حفظ اختراع به عنوان سر مانع استفاده عموم شده، و گرنه ممکن است استفاده‌کننده گان دیگری نیز از اختراع وجود داشته باشد.

قابل ثبت بودن فرآیند انجام شده و نتیجه تحقیقات غیرقابل ثبت بودن فرآیند را نشان می‌دهد، نیز اعمال می‌شود (M. Besen, 1991, p.21).

اگر چه ممکن است استدلال مزبور در راستای منطقی و مناسب بودن رویکرد سوم انجام گرفته باشد، با وجود این، موانع جدی برای پذیرش آن وجود دارد. مهم‌ترین آنها فرصتی برای سوءاستفاده است که از طریق آن تلاشی خفیف برای ثبت کردن فرآیند صورت می‌گیرد و از آن پس حمایت از طریق اسرار تجاری به این امید انتخاب می‌شود که اگر روزی ورقه اختراعی برای آن فرآیند سری صادر شد، حقوق مربوط به شخصیت به عنوان مستند به یاری کاربر اسرار تجاری آید و برای وی قابل استفاده باشد. علاوه بر این اگر شخص مخترع بداند که در صورت عدم موفقیت برای استفاده از حق اختراع صادره برای دیگری، استناد به حقوق شخصیت قابل استفاده خواهد بود انگیزه موفق شدن در جریان پیگیری کسب حق اختراع (به ویژه در جایی که مستلزم هزینه‌های کلان باشد) به شدت کاهش خواهد یافت. (M. Besen, 1991, p.21)

سرانجام اگر حکم به وجود حقی در ارتباط با شخصیت دارنده اسرار تجاری داده شود، در تعیین قابل ثبت بودن اختراع فرآیندی قبل از تحمل هزینه و مسائل مربوط به ثبت تقاضانامه، به ویژه در مواردی که تصمیم مشخص و روشن نباشد، یعنی در موارد اشتباه کردن نسبت به ثبت اختراع، انگیزه و محرک بیشتر وجود دارد (M. Besen, 1991, p.22). بنابراین، فرصت سوء استفاده نسبت به هر یک از علت‌ها و عوامل انصاف (M. Besen, 1991, p.22) در اثبات حق شخصی در شرایط مذکور در موضع برتر قرار دارد (M. Besen, 1991, p.22)؛ به عبارت دیگر کفه استدلال فرصت سوء استفاده سنگین‌تر است.

اما رویکرد چهارم؛ این رویکرد بیشترین ارتباط را در خصوص تصمیم‌گیری مخترع اختراع فرآیندی، به عنوان کار بر اسرار تجاری ایجاد می‌کند. این رویکرد از استراتژی تشویق مخترعان به ثبت اختراعاتشان ناشی می‌شود. این وضعیت خیلی شبیه رویکرد سوم و وضعیت تداخلی است که پس از دریافت حق اختراع مخترع دوم به وجود می‌آید؛ تا حدی که باید در خصوص حقوق مربوطه طرفین تصمیم‌گیری شود. در اینجا نیز هر دو طرف اختراعی یکسان را طراحی کرده و ساخته‌اند و مدعی حق نسبت به آن هستند. (W. LEUZZ, 19984, p.174). در این حالت، دادگاه باید تصمیم بگیرد که کدام طرف، یعنی کاربر مقدم اسرار تجاری یا مخترع بعدی، حق بیشتر نسبت به اختراع دارد و آیا اعطای چنین حقی به پیشبرد منافع عمومی کمک خواهد کرد یا نه؟

بسیاری از حقوقدانان نمی‌پذیرند که با اعمال انصاف نسبت به مخترع اول (استفاده کننده اسرار تجاری) از استفاده بعدی و بیشتر از اختراع توسط مخترع دوم ممانعت به عمل آید. آنها

این استدلال را که بیان می‌کند مخترع اول اختراع را طراحی و ساخته است و با سری نگه داشتن آن سبب عدم اطلاع مردم نسبت به آن شده و از این رو به مخترع بعدی حق اختراع اعطا شده است را ناشی از نتیجه‌گیری بسیار شتاب زده می‌دانند. در واقع در هر دو وضعیت یک مخترع اول وجود دارد. در هر دو وضعیت این مخترع اول در واقع عموم را از بهره‌مندی و انتفاع از اختراع برای یک دوره زمانی، از طریق پنهان نگه داشتن آن اختراع، محروم کرده است. در واقع در وضعیت تداخل، این مخترع (اول) در صورت فقدان مجوز از دارنده حق اختراع، از حق ساخت، استفاده یا فروش اختراع در برابر مخترع دوم یا دارنده حق اختراع (کسی که از نظر قانون اولین مخترع شناخته می‌شود) محروم می‌شود زیرا در واقع مخترع اول از شایستگی کمتری برخوردار است (W.LEUZZ, 19984, p.174).

از سوی دیگر، مخترع اولی یا استفاده‌کننده اسرار تجاری، باید با سرانجام یکسانی مواجه شود. استدلالی که در این رابطه ممکن است مطرح شود بر پایه تشابه وضعیت دارنده اسرار تجاری و هر شخص دیگری است که به عنوان مخترع اول مطرح می‌شود (W.LEUZZ, 19984, p.174).

به نظر می‌رسد سرانجام دارنده اسرار تجاری باید به همان اندازه شخصی که بواسطه تداخل حقوقش با دارنده حق اختراع، هر گونه حقی را نسبت به اختراعش از دست می‌دهد، نامطلوب باشد؛ زیرا در حالی که شخص اخیر تلاش کرده تا از سیستم حق اختراع بهره برداری کند و بدین وسیله، تشویق به ایجاد صنایع مفید کند^۱، کاربر اسرار تجاری به دستیابی تنهایی و سری از منافع اختراع (تا زمانی که مخترع بعدی باعث شده که اختراع مذکور ثبت شود)، ادامه داده است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که استفاده‌کننده مقدم از اسرار تجاری سزاوار وضعیت بهتر از شخصی دیگری که به عنوان مخترع اول مطرح بوده، باشد.

از طرفی قانون حق اختراع فدرال آمریکا به وضوح تصریح می‌کند که حق اختراع به مخترع، حق ممانعت دیگران از ساخت، استفاده یا فروش اختراع را می‌دهد و هیچ استثنایی برای استفاده‌کننده اسرار تجاری قایل نشده است، مگر اینکه دادگاه‌ها در تصمیم‌گیری، قانون مذکور را به نحو دیگری تعبیر کنند که به نفع دارنده اسرار تجاری باشد (W.LEUZZ, 19984, p.174). این استدلال با اظهار نظر دادگاه استیناف در پرونده پالمر (Palmer V. Dudzik, 1973). می‌شود. دادگاه در اظهار نظر خود چنین عنوان می‌کند:

" زمانی که مخترع اختراعش را تبدیل کرده است تا آن را به کار ببندد، می‌تواند بین مسیرهای متفاوت تلاش برای حفظ آن به صورت سری یا تقاضا برای ثبت اختراع، انتخاب و تصمیم‌گیری کند. شرط مزبور که قانون بر مخترع تحمیل می‌کند و آنچه که پذیرش آن برای

۱. زیرا در این مرحله مخترع دوم نسبت به ثبت اختراع اقدام نموده و شخص اول امکانی برای استفاده بیشتر نخواهد داشت.

پژوهش خواه مطلوب نیست، این است که وقتی او روش اول را انتخاب می‌کند، این خطر را که مخترع دوم همان اختراع قادر باشد نسبت به ثبت آن و کسب ورقه اختراع اقدام کند و حق انحصاریش را بر او تحمیل کند، می‌پذیرد. از منظر سیاست‌های هدفمند که دکتترین پنهان کاری اختراع معطوف به آنها می‌شود، این نتیجه عادلانه و منطقی است" (W.LEUZZ, 19984, p.174)

در پایان این مبحث به نظر می‌رسد، زمانی که مخترع با اختراع فرآیندی مواجه می‌شود که غیرقابل ثبت تلقی می‌شود و امکان استفاده از سیستم حق اختراع وجود ندارد، چاره‌ای جز توسل به سیستم اسرار تجاری به منظور حمایت نخواهد داشت. اما زمانی که مخترع اختراع فرآیندی قابل ثبت را در اختیار دارد و با امکان انتخاب میان سیستم‌های حمایت اسرار تجاری و حق اختراع مواجه است، فارغ از سایر مزایا و معایب هر یک از سیستم‌ها، حمایت قانونی انحصاری فراهم شده برای مخترع در سیستم حق اختراع تأثیری قابل ملاحظه بر تصمیم وی خواهد داشت. از سوی دیگر، آهنگ تغییرات فناوری امروزه چنان سریع است که اختراعات فرآیندی از طریق مهندسی معکوس اعمال شده نسبت به محصولات، قابل کشف و شناسایی است؛ اگر چه ممکن است استراتژی‌های شغلی موافق با حمایت از طریق اسرار تجاری باشند.

نتیجه

از مطالب پیش گفته چنین بر می‌آید:

نگاهی به موضوعات و موارد قابل شمول به عنوان اسرار تجاری به خوبی قابلیت حمایت از اسرار تجاری را به عنوان اثری که در ردیف موضوعات حقوق مالکیت‌های فکری قرار می‌گیرد را نشان می‌دهد.

هر چند پاره‌ای مشابهات در موضوع تحت حمایت (اطلاعات فنی) در نظام اسرار تجاری و نظام حق اختراع، باعث تردیدهایی در خصوص ضرورت حمایت از اسرار تجاری شد؛ ولی در پاسخ به این سؤالات به مبانی توجیهی هر یک از دو نظام حمایتی و تفاوت‌های موجود میان آنها (که امکان انتخاب برای مخترع را فراهم می‌کرد) اشاره و مشخص شد که پایه و اساس نظام اسرار تجاری در توجه به رقابت منصفانه و حفظ معیارهای اخلاق تجاری و شغلی می‌باشد؛ در حالی که نظام حق اختراع بر پایه تشویق مخترع به اقدامات مبتکرانه و سرمایه‌گذاری جهت انجام تحقیقات استوار گشته است.

تفاوت در مبنا و قلمرو حمایت در هر یک از نظام‌های حمایتی حق اختراع و اسرار تجاری روشن کرد که علاوه بر امکان انتخاب میان هر یک از دو نظام (به دلیل تفاوت‌های در شرایط و نوع حمایت) به عنوان جانشین، در طی فرآیند تکمیل اختراع (با توجه به ضرورت حفظ

سری بودن اطلاعات غیر قابل ثبت) نظام اسرار تجاری به عنوان مکمل نظام حق اختراع مطرح می‌گردد. بدین ترتیب برقراری حمایت از اختراعات از طریق اسرار تجاری در حکم حمایت اضافی از مخترعان نمی‌باشد.

منابع و مأخذ

1. Abramowitz, Michael, 2003, **Perfecting Patent Prize**, Thomson, First Edition,.
2. Bennett, "**the Trade Secret Owner Versus Patentee of Same Invention: A Conflict?**, Journal of the Patent Office Society, Vol. 57.
3. Bell, John; Sophie, Boyron, 1998, **Principles of French Law**, Oxford University Press, New York.
4. Besen, Stanley M: **An Introduction to the Law and Economics of Intellectual Property**, the Journal of Economic Perspective, Vol.5, No.1.
5. Blair Roger D; Thomas F. Cotter, 2005, **Intellectual Property = Economic and Legal Dimensions of Rights and Remedies**, Cambridge University Press.
6. Cornish, W. R, 2002, **Intellectual Property**, Third Edition, Sweet & Maxwell.
7. Duncan, Curley, 2004, **Intellectual property**, Oxford University Press.
8. Eastaway, Nigel, 2004, **Intellectual property**, Thomson, London.
9. Friedman, David D; William M. Landes, 1991, **Some Economics of Trade Secret Law**, The Journal of Economic Perspectives, Vol. 5, No. 1.
10. Hettinger, Edwin C, 1989, **Justifying Intellectual Property**, Philosophy and Public Affairs, Vol. 18, No. 1.
11. Jorda, "**the Rights of the First Inventor – Trade Secret User as Against Those of the Second Inventor – Patentee**," Journal of the Patent Office Society, Vol. 61.
12. Kitch, Edmund W, 1980: **The Law and Economics of Rights in Valuable Information**, The Journal of Legal Studies, Vol.9, No.4.
13. ———: **The Nature and Function of the Patent System**, Journal of Law and Economics, Vol. 20.
14. Leuzzi, Paul W, 1984: **Process Invention=Trade secret or Protection**, Journal of Patent Office Society, Vol. 66, No. 3.
15. Maurer, Stephen M, 2002: **The Independent Invention Defense in Intellectual Property**, *Economia*, Vol.61.
16. Nisvan. Erkal, 2004: **On the Interaction between Patent and Trade Secret Policy**, Journal of Legal Studies.
17. Paine, Lynn Sharp, 1999: **Trade Secrets and Justification of Intellectual Property**, "Philosophy and Public Affairs, Vol. 20, No. 3.
18. Robbins, "**The Rights of the First Inventor – Trade Secret User as Against Those of the Second Inventor – Patentee**," Journal of Patent Office Society, Vol. 61.
19. Stim, Richard, 2006: **Patent, Copyright, Trademark**, Nolo, United States.
20. Thurow, L; Needed, 1997: **A New System of Intellectual Property Rights**, Harvard Business Review.
21. Vaver, David, 1999: **Intellectual Property Today**, Of Myths And Paradoxes, Canadian Bar Review, Vol.69.
22. Verma, Surinder Kaur, 2004, "**Protection of Trade Secrets under TRIPS Agreement, and Developing Countries**", The Journal of World Intellectual property, Vol.1.
23. **Black's Law Dictionary**, Eight Edition

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«دستیابی به قوانین مالی اصلاح در چارچوب گاتس: چارچوبی برای همکاری و رقابت در تدوین قوانین ذخیره قانونی بانکها و افشاء اطلاعات در بازار بورس» سال ۱۳۸۵، شماره ۷۴. «حدود آزادی طرفین دعوی در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی: جایگاه داوری تجاری بین‌المللی» سال ۱۳۸۶، شماره ۳. «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس» سال ۱۳۸۷، شماره ۳.